

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۰ جنوری ۲۰۲۳

در افغانستان قحطی نیست، فقر بیداد می کند!

دوشنبه - ۱۹ جدی ۱۴۰۱ - کابل: هرگاه از تبلیغات در روزها و ماه های نخست حاکمیت دار و تازیانه بگذریم و توجه ما را بیشتر به سرو صدا هائی که در هفته ها و روزهای اخیر از طریق رسانه های داخلی و خارجی جریان دارد معطوف بداریم، متوجه خواهیم شد که اکثر رسانه ها بدون وقفه از زبان این و آن عمدتاً مقامات سیاسی جهان غرب، از قحطی در افغانستان و تلفات احتمالی از آن بابت گوش فلک را کر نموده اند. در یادداشت امروز خواهیم دید که آیا واقعاً در افغانستان قحطی است و یا خیر؟ و اگر قحطی نیست پس چیست و چرا به نام خودش یاد نمی گردد و رسانه ها اینهمه کلمه قحطی را نشخوار می نمایند.

در آغاز می بینیم "قحطی" یعنی چه؟

کلمه قحطی که از قحط عربی آمده در لغت به معنای نایابی و کمیابی است. در قدیم این حالت عمدتاً در اثر خشکسالی های پیهم به وجود می آمد، چنانچه سعدی در پارچه شعر بلندش "چنان قحط سالی آمد اندر دمشق***" که یاران فراموش کردند عشق" آن را توصیف نموده است، مگر امروز آن نایابی و کمیابی تنها در اثر خشکسالی ها و عوامل طبیعی به وجود نیامده، بلکه بیشتر از آن در اثر جنگها و تحریم های قدرت های خرد و بزرگ امپریالیستی، کشور های کوچک و ناتوان را مورد تهدید قرار می گیرند.

حال وقتی معنای قحطی را دانستیم، از فرد فرد شما هموطنان می خواهم در هر قسمتی از افغانستان که زندگی می نمائید چه در مرکز شهر های بزرگ و چه هم در دورترین نقاط کشور، در هر کجائی که بازار و دکانی وجود دارد از مندوی ها گرفته تا یکه دکانهای اطراف در روستا ها، ببینید آیا دکانها خالی است و هیچ امتعه ای در آنها وجود ندارد و یا نه مانند تمام دکانهای شهر کابل و بقیه شهر ها تمام آنها بدون استثناء به گفته مردم "تا مذهب شان مال پر است". این دکانها چنان با مال پر است که توسط پیپ ها و قطی های روغن و خریطه ها و بوجی های برنج و آرد و بقیه حیوانات نصف پیاده رو را نیز بند انداخته اند، از قصابی ها که هیچ نپرسید در هریک از آنها به علاوه گوسفند ها و بز های سربرید و آماده، شقه های گوشت گاو و شتر نیز به خریدار فریاد می زند که من را بخر. هموطنان گرامی!

این واقعیت وضعیت بازار در کشور است، خلاف این وفور نعمات، آنچه اصلاً وجود ندارد توانایی خرید بین مردم است. دکانها خالی نیست تا قحطی باشد، جیب ها خالیست زیرا فقر برخاسته از بیکاری و غارتگری و اختلاس در دهه های پسین بیداد می کند.

مردم فقیر شده اند و توان خرید ندارند زیرا به صد ها هزار نان آور خانواده یا از خانه فرار شده اند و یا خود را در خانه ها حبس کرده اند تا توسط طالب به قتل نرسند و یا هم به فرمان یک "شیخ الحدیث" احمق و نا انسان که بونی از انسانیت و خدمت به انسان نبوده، تمام هم و غمش را این می سازد تا گوزش را نگه دارد که بی وضو از خانه بیرون نشود و یا حکمی صادر ننماید.

و اما این که چرا رسانه ها و نویسندگان به جای آن که از بیداد فقر و گرسنگی برخاسته از آن یاد کنند همیشه از قحطی نام می برند آیا واقعاً در درک معنای لغوی این واژه مشکل دارند و یا در صدد اند تا واقعیتی را کتمان نمایند، باید گفت: هرگاه از مشتی انسان کم سواد و بی دانش که واقعاً تفاوت بین فقر و قحطی و رابطه بین آنها را نمی دانند، بگذریم؛ اکثریت آنهایی که به جای شیوع فقر و ناداری، کلمه "قحطی" را به کار می برند آنهایی اند که می خواهند در عقب این کلمه، ساختار اجتماعی- اقتصادی طبقاتی حاکم کنونی و غارتگری های چند دهه را کتمان نمایند.

آنها با استفاده از کلمه "قحطی" در کنار آن که می خواهند آن مناسبات غارتگرانه را پنهان کنند، تلاش می ورزند تا عواطف انسانی کتله های نفوسی بی خبر از واقعیت های افغانستان را تحریک نموده، زیر عنوان مبارزه علیه قحطی و یا کمک به قحطی زدگان جیب مردم را نیز خالی نموده، همه را یکجا در خدمت حاکمیت دار و تازیانه نظام ملاسالار قرار دهند.

هموطنان گرامی!

مردم گرسنه می خوابند و اطفال با سوءتغذیه می میرند نه بدان علت که در بازار چیزی برای خوردن پیدا نمی شود، بلکه علت چنین است که جیب والدین شان خالی و توان خرید اصلاً بین آنها وجود ندارد. این واقعیت را زمانی بدستی می توانید درک نمائید که یا برای یکی دو ساعت جلو یک دکان قصابی و یا علافی ایستاده شوید و یا از خود آنها بپرسید که چرا پارچه تر را بر روی شقه آویزان شده گوشت انداخته اند تا برایتان بگویند: "خریدار نیست، خشک می شود" و یا علاف از این که کرایه دکان را کشیده نتوانسته حیران است چگونه "اوگرانی" را بدهد، درد دلش را با شما در میان گذارد.

هموطنان گرامی!

بیانید واقعیت ها را همان طوری که هست معرفی نموده با مردم در میان گذاریم. یکی از این واقعیت ها این است که در افغانستان قحطی نیست، بلکه فقر است که بیداد می کند و این فقر هم برخاسته از مناسبات اقتصادی- اجتماعی است که در طی دهه ها و سده های طولانی شکل گرفته و در جریان غارتگری های سالهای اخیر، اختلافات طبقاتی را در جامعه چنان به اوج آن رسانیده که اگر از یک سو به هزاران هزار خانواده محتاج یک شکم نان سیر در ۲۴ ساعت اند، خلاف آن طبقات حاکم چه دیروز و چه امروز با خوردن ۱۸ نوع گوشت، بهشت موهوم را به مبارزه می طلبند.

بیانید این واقعیت را درک و به دیگران بگوئیم که راه نجات از فقر کنونی بلند کردن دست دعا نیست تا قطره ای باران ببارد، بلکه آستین را بر زدن است تا طالب، نظام ملاسالار و کلیت نظام طبقاتی کنونی را مشترکاً راهی زباله دان تاریخ نموده نعم مادی جامعه را مساویانه بین همه تقسیم نمائیم.

با شعار مرگ بر طالب و نابود باد نظام ملاسالار به نبرد مان ادامه دهیم!

مبارزه علیه امپریالیسم، جزء لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل

و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد

تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!